

مجموعه اشعار

در گذر عمر

مرضیه خُلقی



انتشارات بوستان

تهران - ۱۳۸۹

سرشناسه	: خلقی، مرضیه
عنوان و نام پدیدآور	: مجموعه اشعار در گذر عمر / مرضیه خلقی
مشخصات نشر	: تهران: بوستان، ۱۳۸۹
مشخصات ظاهری	: ۱۳۵ ص.
شابک	: 8 - 74 - 6110-964-978
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: شعر فارسی - قرن ۱۴
رده بندی کنگره	: ۱۳۸۹ ۶۷۳ / ۸۰۴۰ PIR
رده بندی دیویی	: ۸۱۶۲ / ۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۹۵۵۵۱۸

محل نشر: تهران - خیابان ولی عصر - چهارراه معزالسلطان - اول مهدی خانی - پلاک ۶
تلفن: ۵۵۳۸۰۴۸۸ - ۵۵۳۸۴۵۲۶

عنوان: در گذر عمر (مجموعه اشعار)

مؤلف: مرضیه خلقی

ناشر: انتشارات بوستان

طراح جلد: نواب میرزایی

شمارگان: ۱۲۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول ۱۳۸۹

قیمت: ۲۵۰۰ تومان

شابک: ۸-۷۴-۶۱۱۰-۹۶۴-۹۷۸

«حق چاپ برای ناشر محفوظ است.»

مرکز پخش: تهران، خ انقلاب، خ ۱۲ فروردین، پاساژ کتاب فروردین، طبقه زیرین، واحد ۷
نشر و پخش بوستان تلفاکس: ۶۶۹۵۷۲۵۵ - ۶۶۹۵۷۱۶۶

با سلام مرضیه خلقی هستم در سال ۱۳۳۸ در تهران در خانواده‌ای متوسط و مذهبی به دنیا آمدم. در سن ۱۵ سالگی با اشعار حافظ و مولوی و پس از آن سهراب سپهری و فروغ فرخزاد جرقه‌ای در وجودم روشن شد، در ۱۸ سالگی ازدواج نمودم که حاصلش ۲ فرزند پسر است. تا به امروز بیش از صدها بیت شعر سروده‌ام که اکنون مجموعه‌ای از آن را به عنوان «در گذر عمر» خدمت خوانندگان گرامی هدیه می‌دارم. امید است در نظر اهل قلم مقبول افتد.

بر خود واجب می‌دانم از تمام کسانی که در این مسیر همراهی و حمایت نموده‌اند خصوصاً مادرم بی‌بی زهرا فتح‌الهی و خواهرانم زهره و آذر تشکر نمایم.

در پایان، کتاب «در گذر عمر» را به همسر مهربانم رضا و فرزندانم نواب و پوریا تقدیم می‌دارم.

پاییز ۱۳۸۸

فهرست اشعار

۱۱	پیشگفتار
۱۳	مناجات
۱۳	الهی
۱۴	بانگ اذان
۱۵	نقطه اوج
۱۷	بمناسبت میلاد پیامبر
۱۹	در مدح مولا علی (ع)
۲۴	سروده‌ای عطر آگین تقدیم به حضرت زهرا (س)
۲۶	سروده‌ای در ولادت زینب کبری (س)
۲۸	من ایرانیم
۲۹	معنی عشق
۳۰	همسر
۳۲	مادر
۳۴	معلم
۳۶	رخ زیبا
۳۸	حدیث عشق
۴۰	حق شناس
۴۲	توبه
۴۴	نقطه عطف
۴۶	تو معنی عشق و قصه دانی

۴۷		رخصت دیدار
۴۹		گلایه
۵۱		لاله‌ی بزم آرا
۵۲		ساقی
۵۳		چرا
۵۴		افسانه
۵۶		زن
۵۷		سخن حق
۵۸		خواب خوش
۵۹		طلوع خورشید
۶۰		برکه نهی
۶۱		وفای به عهد
۶۲		سکوت تو
۶۳		آلاله کوهی
۶۴		زبان گویا
۶۵		عطر یاس
۶۶		تقدیم به روح مطهر خلبان شهید غلامرضا چاغروند
۶۷		تنها خدا
۶۸		درد فراغ
۶۹		هجران
۷۰		پاییزی فریاد
۷۱		نسیم شهادت
۷۲		قیامت
۷۳		فریاد یا واویلا
۷۴		دربزرگداشت مقام حافظ
۷۶		جانباز

۷۸	خداوندا.....
۷۹	تقدیم به تمامی شیر مردان ایران زمین
۸۰	در سوگ عزیزان در خاک خفته زلزله کرمان (طیس).....
۸۲	به یاد مرحوم ناصر گیوه‌چی.....
۸۴	دو زبان.....
۸۵	رویا‌های نیمه شب.....
۸۸	تقدیم به آقای عزت‌الله معصومی یکی از هزاران دلاور.....
۸۸	صحنه‌های نبرد با بعثیان عراق.....
۸۹	سرودن شعر.....
۹۰	مادر بپاخیز.....
۹۱	میلاد حضرت عیسی (ع).....
۹۲	ای کاش.....
۹۳	ماه محرم.....
۹۴	خرمشهر.....
۹۵	رمضان ماه تزکیه نفس.....
۹۶	در مقام استاد شهریار.....
۹۷	تقدیم به شهدای هواپیمای ایرباس.....
۹۸	یاد خدا.....
۹۹	هنوز.....
۱۰۱	گل سرخ لبخند.....
۱۰۲	باران.....
۱۰۳	شعر کودکی.....
۱۰۴	خواب و بیداری.....
۱۰۵	برف.....
۱۰۶	در رهگذر عمر.....
۱۰۸	خوش آمدی.....

۱۱۰	 گوشه چشم
۱۱۱	 کلک خیال

دو بیتی ها

۱۱۲	 کمند
۱۱۲	 نقش
۱۱۳	 غزال
۱۱۳	 باد صبا
۱۱۳	 اگر.....
۱۱۴	 چه کردم
۱۱۴	 راه توبه
۱۱۴	 ریحانه باغ رسالت
۱۱۵	 نوروز
۱۱۵	 قسم
۱۱۵	 مسافر
۱۱۶	 آسمان
۱۱۶	 قدیس
۱۱۶	 شوق دیدنت
۱۱۷	 تاراج
۱۱۷	 اندیشه
۱۱۷	 کنکاش در خویش
۱۱۸	 اقیانوس امید
۱۱۸	 یاد
۱۱۸	 ساعت
۱۱۹	 حلقه برگوش
۱۱۹	 رهگذر
۱۱۹	 فاصله

۱۲۰	زندگی
۱۲۰	شهید
۱۲۰	آئینه دار
۱۲۱	شهد و غسل
۱۲۱	طعم لب
۱۲۱	در عزلت راهم بده
۱۲۲	حوض گلاب
۱۲۲	پیدایش
۱۲۲	التهاب
۱۲۳	علاج
۱۲۳	چله نشین
۱۲۳	آبانگاه
۱۲۴	باده گلگون
۱۲۴	تنهایی
۱۲۴	ساغر
۱۲۵	رنگین کمان
۱۲۵	گلدان
۱۲۵	پرواز
۱۲۶	نشانی
۱۲۶	گناهیم چیست؟
۱۲۶	پرسه
۱۲۷	مژه
۱۲۷	رفته ای
۱۲۷	پیغام
۱۲۸	خبر
۱۲۸	مرحم

۱۲۸		سراب
۱۲۹		رخصت
۱۲۹		اندرز
۱۲۹		زالالی نگاهت
۱۳۰		مسجد
۱۳۰		محراب
۱۳۰		جلوه‌ی بازار
۱۳۱		عکس
۱۳۱		سیل اشک
۱۳۱		حلقه
۱۳۲		کشتی دل
۱۳۲		جوانی
۱۳۲		عطر آغوش تو
۱۳۳		نوشدارو
۱۳۳		بسوز
۱۳۳		گلیانگ شادی
۱۳۴		شب
۱۳۴		شاخ نبات
۱۳۴		ستاره
۱۳۵		یار جانی
۱۳۵		بی وفایی
۱۳۵		گل

پیشگفتار:

شعر باز تاب تفکرات نیکو و افکار پسندیده‌ای است که در طی سال‌های
متمادی در لایه لایه‌های روح انسان نقش بسته و دماغ جان را معطر
می‌سازد.

شعر یعنی غرق اندر کائنات فارغ از اندیشه‌های بی‌ثبات
دست‌ها را شاخه‌های ارتباط اتصال روح با جمله نقاط
شعر به انسان نیرویی خارق‌العاده می‌بخشد که در سایه این نیرو می‌توان
تمامی سدها را شکست و حصارهای انزوا و تنهایی را از میان برداشت و
ذهن است که می‌تواند با کنار یکدیگر قرار دادن واژه‌ها و کلمات به آنها
احساسی مافوق دیگر حواس بخشیده و تارهای نامرئی فکر را به ترنم
وادارد.

ای خداوند زمین و آسمان ای پدید آورده کون و مکان
ای که دادی جان به انسان و گیاه ای پدید آورده خورشید و ماه
شعر قادر است لغات را به نشاط آورده و قلب و روح آدمی را از زنگار
وحشت و هراس و از هم گسیختگی رهانیده و غبار تیرگی را از میان
برداشته و احساس را در فضای ملکوتی و عرفانی به پرواز درآورد.

خداوندا تو رب العالمینی ندانم آسمان یا در زمینی
 زمن هرگز مگردان روی خود را تو رحمانی و حبل المتقینی
 راز جاودانگی و ماندگاری بعضی سروده‌ها و شعرها که هرگز از زبان‌ها و
 یادها فراموش نمی‌شود و در رهگذر عمر در غبار فراموشی فرو نمی‌رود
 در مردمی بودن آنهاست و این که برخاسته از زندگی و ذهن توده‌هاست
 در اصل شعراست که با روزمرگی انسان ممزوج و رنگ و بوی طبیعی
 گرفته و افکار فرو خورده‌ای را که دیگران قادر به ابراز و فریاد آن نیستند
 به گونه‌ای دلنشین و همه پسند تبدیل می‌کند.

سرودن از تو آغاز شکفتن کنارت لحظه‌ای آسوده خفتن
 تو را از چشم نامحرم ربودن به عزلت بردن و در خود نهفتن
 پس: گردآوری چنین مجموعه‌ای که حاصل سالها تلاش این حقیر
 می‌باشد به گونه‌ای خویش را در مضان‌گزینش مردم نهادن و تبعیت از
 ذوق و سلیقه عزیزانی است که تجاری وافر در راه خواندن و سرودن
 اشعاری نغزتر دارند.

باشد که این مجموعه مورد توجه عامه‌ی مردم قرار گیرد.

آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید

مرضیه خلقی